شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۳شنبه
۷ مرداد ۱۳۹۹
۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۱
شماره ۳۱۶۳
۱۲

متهم اصلی پرونده «هلدینگ آفتاب» خطاب به رئیس دادگاه

اتهام جعل مهرها و سایت‌ها را قبول دارم

گروه حوادث

صبح دیروز دومین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۵ متهم پرونده موسوم به «هلدینگ آفتاب» به ریاست قاضی منصوری و با حضور متهمان و وکلای مدافع آن‌ها، نمایندگان سازمان‌ها و ادارات، جمعی از شکات و وکلای آن‌ها، نماینده دادستان عمومی و انقلاب مرکز خراسان رضوی برگزار شد. این جلسه رسیدگی ابتدا با ارائه توضیحاتی از جزئیات پرونده و اتهامات متهم اصلی از سوی نماینده دادستان عمومی و انقلاب مرکز خراسان رضوی آغاز شد و پس از پایان نطق نماینده دادستان مشهد، به دستور رئیس دادگاه «امیررضا ثابت» متهم ردیف اول پرونده در جایگاه قرار گرفت و از او خواسته شد تا مطابق کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرای عمومی و انقلاب مرکز خراسان رضوی به دفاع از خود بپردازد. قاضی منصوری با ذکر مجدد ۹ اتهام منتسبه به امیررضا ثابت، از وکیل مدافع متهم ردیف اول خواست تا لایحه دفاعیه خود را پس از دفاع از موکلش به دادگاه ارائه کند. متهم امیررضا ثابت با اشاره به نحوه اقدامات خود و در پاسخ به سؤالات رئیس دادگاه گفت: مهرهای مورد اشاره در انبار ما کشف شده و اقدامات در مورد تعدادی از سایت‌هایی که اعلام شد را قبول دارم.

پس از دفاعیات متهم اصلی و وکیل مدافعش قاضی غرابادیان نماینده دادستان در واکنش به اظهارات او مبنی بر قبول نکردن برخی از اتهاماتش اشاره کرد که امیررضا ثابت با کتمان درآمدهای خود نهایتا مبادرت به فرار مالیاتی کرده و برای اینکه ردی از این اقدام مجرمانه خود باقی نگذارد به همدستانش دستور امحای اسناد مالی را داده است که خوشبختانه برخی این کار را انجام نداده و اسنادش نیز موجود است. قاضی غرابادیان در ادامه با تأکید بر اینکه امیررضا ثابت اصلا اجازه صدور چنین مدارکی را نداشته است او را به صداقت در اظهاراتش دعوت کرد و گفت که اسناد و مدارک کشف شده و همچنین اقاریر و اظهارات خود شما و سایر متهمان، نشانگر وقوع تخلفات و جرائم متعدد تحت لوای این شرکت می‌باشد. در ادامه این جلسه رسیدگی اظهارات تعدادی از مطلعین به صورت حضوری و از طریق فیلم ضبطی ارائه و پخش شد و سپس نماینده سازمان امور مالیاتی و نماینده وزارت علوم در جایگاه خود قرار گرفتند و شکایت خود را درباره مبلغ کلان فرار مالیاتی و اعطای مدارک تحصیلی جعلی در سطح بالا از سوی متهم اصلی مطرح کردند. ظهر دیروز خاتمه دومین جلسه رسیدگی به پرونده «هلدینگ آفتاب» از سوی قاضی منصوری، رئیس دادگاه اعلام و ادامه رسیدگی به صبح امروز موکول شد.

داستان جنایی

خانه کابینتی (قسمت آخر)

ایلیا موسایی

بی‌بی بیگم درِ کابینت را آرام روی دختربچه بست. یاعلی گفت و بلند شد. زن جوان هنوز روی چهارپایه نشسته بود و با فخ‌فخ، زیرزیرکی گریه می‌کرد. تا بی‌بی به کاناپه کنفی سبزش برسد زن جوان هم کنارش جا گرفت. بی‌بی گفت: «چرا نمی‌برینش دکتر که این زبون بندی‌اش رو درمون کنه؟» زن جوان دماغش را بالا کشید. «به‌خدا بردیمش مادر. نمی‌دونی چکارمون کرد اونجا... دکتر گفته بود گفتاردرمانی بشه و از این حرفا... ولی فایده نداشت. داشتیم برا دکتر توضیح می‌دادیم یهو غیبش زد. بعد معلوم شد زیر میز دکتره. چند دقیقه بعد دکتره دید یکی از همون دم‌ودستگاهای دکتری‌اش سوخته. بنده خدا هی می‌گفت اشکال نداره... اشکال نداره...».

بی‌بی عینکش را برداشت و چشم‌های ماتش را که با پوست افتاده و چروکیده احاطه شده بودند آرام با حرکت انگشت مالید. «اینم شد حرف؟!... این زبون‌بسته الان باید سرِ همه‌مون رو خورده باشه... تو نگی لاله‌بچه. قدیم تخم کفتر می‌دادیم. بگو جواد جای یللی تللی بره از یه جایی جور کنه...»

«باسمیرا حرف زدم اونم می‌گفت طبیعیه خودبه‌خود درست میشه...»

«سمیرا بره درد خودشو چاره کنه. اون روز اومده اینجا می‌گه برا مادرشوهرش دعا گرفته چال کرده. الان پشیمونه ولی جای دعا رو پیدا نمی‌کنه...»

«مادرجان دختر خاله بدری رو نمی‌گم که. سمیرا جاری‌ام... می‌گفت کامران موقع بچگی این‌طوری بوده... بعدشم با اون بلایی که سر دختر منشیه آورد بیخیال شدیم گفتیم کل مطب رو آتیش می‌زنه! بعدشم همه که میگن طبیعیه. این دکترا فقط جوش جیب خودشونو می‌زنن. الکی به این بچه اُلدُرُم بُلدُرُم می‌بندن... باباش هم گفت‌وگو کن.»

«دستپخت خودتونه می‌گین ولش کن! باریکلا به شما. پدر و مادر خودشون بچه کودکستانی‌ان... انگاری اومده‌ان خاله‌بازی»

«مادرجان... آدم دست خودش نیست که... اولش فکر کردیم چون باباش بالای سرش بلند داد زده شنوایی‌اش عیب کرده... آخه جیغ منم بود تو اون هیری‌ویری کی نگاه می‌کنه بچه کجاست... ولی خدا رو صدهزار مرتبه شکر... شنوایی‌اش عیب نکرده بود... به‌خدا خودش عمدا حرف نمی‌زنه حرصمون بده. لج می‌کنه» بی‌بی همان‌طور سرخت و کُند از روی مبل سُرید پایین و روی قالی نشست. «خداتو شکر کن بند کرده اینجالونه پیدا کرده»

زن جوان بلند شد رفت توی بالکن از کنار شمعدانی کچل شده، روی نرده‌ها خم شد. بعد تُک‌پاتُک‌پا وشنگول آمد تو. گفت: «تو بالکن داره سیگار دود می‌کنه... این اواخر ترک کرده بود... این وقتا آروم می‌گیره ولی سرفه‌هاش شروع میشه... بعد امیرم از دلش دربیارم»

بی‌بی به سمت در نگاه کرد و فکر کرد سایه‌ای آنجا تکان خورد. بعد صدای تلیک شنید. گفت: «شباکه می‌شینم تو بالکن دود سیگارش تا این بالا میاد...»

«یک‌بار دیگه که دعوامون شده بود. باز شروع کرد همون جوری گریه کردن. این بار جواد فرستادش تو اتاق. ما تو هال داشتیم داد و هوار می‌کردیم. نق و ناله‌اش از اتاق می‌اومد. وسط جروبحث یهو متوجه شدیم چند دقیقه است ساکته باز توی دلمون خالی شد... دوتایی در و باز کردیم دیدیم با قیچی لباسای تنشو عین شرشره کرده و از پهلوش خون اومده. نشسته بود گوشه اتاق... داشت قیچی رو می‌کرد توی پریز برق...» بی‌بی چیزی زیر لب گفت و دست کرد سمعکش را از پشت گوشش برداشت. گفت: «دیگه نمی‌خوام صداهاتونو بشنوم»

به زن جوان نگاه کرد که لب‌هایش باز و بسته می‌شدند ولی شنیده نمی‌شد چه می‌گوید. مثل همهمه حباب‌های زیر آب می‌ماند. زن جوان اخم و تخم کرده بود و مدام لب‌هایش می‌جنبید. تا آشپزخانه رفت و سریع آمد بیرون انگار داشت جیغ می‌زد. بعد، به‌سرعت بیرون دوید. بی‌بی رفت به بالکن. بوی سیگار توی سکوت تا اینجا می‌آمد. پایین توی خیابان را که نگاه کرد، از پشت شیشه‌های تمیز و قطورِ عینکش سایه کوچکی دید که عین جن از خیابان گذشت و غیب شد. بی‌بی همانجا روی صندلی زهواری توی بالکن نشست. هیچ صدایی نمی‌شنید.

پایان

سرهنگ عباس صارمی ساداتی، فرمانده انتظامی مشهد: در پی اجرای ۳ عملیات پلیسی از سوی کلانتری‌های شهید فیاض‌بخش، شهید هاشمی‌نژاد و آستانه‌پرست مشهد ۵ سارق حرفه‌ای و سابقه‌دار کامپیوتر خودروهای سواری و گوشی‌های تلفن‌همراه شناسایی و دستگیر شدند. ۲ نفر از متهمان مادر و دختر هستند.

حوادث

کلاهبرداری سریالی رمال سابقه‌دار

پلیس فتای استان جوان ۲۲ساله‌ای که افراد زیادی را تلکه کرده‌بود، در تهران دستگیر کرد

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

همه‌اش را تقصیر پدرش می‌دانست. رفتارهای تند و بی‌توجهی به همسر و خانواده، دستمایه دعواهای همیشگی‌شان بود. از زمانی که خوب و بدش را تشخیص می‌داد، روزی نبود که شاهد دعواهای تکراری پدر و مادرش نباشد. کوچک‌تر که بود موقع دعوا او را به اتاقش می‌فرستادند و تا پایان جنجال‌های عصبی والدینش حق بیرون آمدن نداشت. در این شرایط متشنج دخترک کم‌کم قد کشید و بزرگ شد، اما مشکلات والدینش هم به همان نسبت بزرگ‌تر شده بود. آن‌ها در دعواهایشان انتظار داشتند که دختر جانب آن‌ها را بگیرد، غافل از اینکه دختر دانشجوشان از این زندگی خسته شده و چند وقتی است که به دنبال یافتن راهکاری برای حل مشکل والدین برآمده است. در این میان ناگهان سر و کله یک رمال به زندگی آن‌ها باز شد، فردی که مدعی بود با دعای مهر و محبت می‌تواند دل‌های این زن و مرد میان‌سال را به هم نزدیک و آرزوی دیرینه دختر جوان را برآورده کند. دختر جوان برای حل مشکلش وارد گردابی شد که پیش از او نیز افراد زیادی از سراسر کشور در آن غرق شده و اموالشان را باخته بودند.

اولین بار یک آگهی در فضای مجازی توجه دختر جوان را جلب کرده بود. محتوای آگهی و جملات انگیزشی به کار رفته در آن، درست همان چیزی بود که می‌توانست مشکلات قدیمی او و خانواده‌اش را حل کند. بلافاصله به صفحه اعلام شده در اینستاگرام رفت. این صفحه فالوئرهای زیادی داشت. تعداد بالای اعضای این صفحه مجازی و پیام‌های مثبتی که افراد مختلف پس از حل مشکلاتشان برای مدیر آن فرستاده بودند، او را مطمئن کرد که مشکلاتش به‌زودی حل خواهد شد.

او به سراغ مدیر این صفحه اینستاگرامی رفت و مشکلاتش را بازگو کرد، از دعواها و قهرهای قدیمی و از ترس طلاق عاطفی بین پدر و مادرش برای این فرد ناشناس گفت. فرد ناشناس در پاسخ به او اعلام کرد که مشکل پدر و مادرش کمبود مهر و محبت است و دعواهای کوچک از آن شکافی بزرگ درست کرده که تنها راه موجود دعای مهر و محبت است. به واسطه این دعا قلب‌های آن‌ها به هم نزدیک شده و متوجه مشکلات خودشان خواهند شد.

دختر جوان که می‌دید در آستانه حل نهایی مشکلات زندگی‌اش است، درخواست کرد تا این دعا را برایش بنویسند. دعای گرانی که قیمتش ۳میلیون و ۶۰۰هزار تومان بود. این مبلغ هر چند برایش زیاد بود اما می‌شد با قرض گرفتن از اطرافیان، برای همیشه مشکل خانوادگی‌اش را حل کند. او پول را به سختی تهیه کرد و به حساب اعلام شده از سوی رمال مجازی واریز کرد. اما پس از یک هفته نه تنها خبری از دعا و طلسم و... نشد که این پیچ به روی دختر جوان بسته شد.

شکایت از رمال شیاد

دختر که فهمید در دام یک شیاد افتاده با مراجعه به دادسرا شکایت کرد و با در دست داشتن مرجوعه قضایی راهی پلیس فتا شد. با اعلام مشخصات این رمال مجازی، کارشناسان پلیس فتای خراسان رضوی متوجه متهم همان فردی است که از ۲شهروند قوچانی و کاشمری هم ۱۳میلیون و ۸۰۰هزار تومان کلاهبرداری کرده است. سرنخ‌های خوبی که این دانشجو در اختیار پلیس قرار داد، منجر به شناسایی هویت اصلی متهم شد. فردی که هر روز با شگرد تازه و ایجاد صفحات جدید در فضای مجازی، طعمه‌های جدیدی را فریب می‌داد و از آن‌ها کلاهبرداری می‌کرد.

تجمیع سرنخ‌های موجود در این پرونده، با دستور تخصصی سرهنگ جواد جهانشیری، رئیس پلیس فتای خراسان‌رضوی موجب شد تا متهم در شهر تهران ردزنی شود. با اطلاعات محرمانه کسب شده که ماحصل همکاری پلیس فتای خراسان رضوی و پایتخت بود، محل اختفای متهم در شهر تهران شناسایی شد.

> دختر جوان وارد گردابی شد که پیش از او نیز افراد زیادی از سراسر کشور در آن غرق شده و اموالشان را باخته بودند

مأموران که توانسته بودند پس از مدت‌ها یک شاه‌ماهی را شناسایی کنند، در عملیاتی پیچیده موفق به دستگیری جوانی بیست‌ودو ساله شدند.

فرار از خانه و پناه بردن به فضای مجازی

متهم پیش‌تر نیز با اتهام‌های مشابهی در حوزه رمالی و طلسم، دستگیر شده و چندسالی را نیز زندان بوده است.

بررسی سرگذشت این جوان نشان داد که او حتی مدرک سیکلش را هم نگرفته است. آشنایی‌اش با طلسم، سحر و جادو را هم آموزش‌های پدربزرگ مرحومش می‌دانست که این حرفه را به تمام اعضای خانواده‌اش آموزش داده بود.

مشکلات متهم جوان از زمانی شروع شد که والدینش از هم جدا شده و او چندسالی با عمویش زندگی می‌کرده است. اما فشارهای روانی از ناحیه خانواده عمویش را تحمل نکرده و از خانه فرار می‌کند.

چندوقتی در به‌دری و بی‌خانمانی می‌کشد تا جایی که به پیشنهاد رفقای جدیدش، با ایجاد صفحات مختلف در فضای مجازی خودش را جای پدربزرگش جا می‌زند و با استفاده از اسم او، برای خودش دکان و دستگاهی راه می‌اندازد.

پسر جوان اندک آموخته‌هایش از رمالی را در لابه‌لای فن بیان قوی و متقاعدکننده‌اش قرار داده و اقدام به کلاهبرداری می‌کند. او که به دلیل فقر، زندگی سختی داشته است با کلاهبرداری‌های سریالی زندگی خوبی برای خود مهیا می‌کند.

طلسم خودخواسته زندگی

به گفته سرهنگ جهانشیری تا کنون ۳نفر از این فرد در خراسان‌رضوی شکایت کرده‌اند، اما این‌ها تنها شاکیان پرونده نیستند. این فرد با سوءاستفاده از مشکلات شهروندان که بیشتر خانوادگی است، با وعده و وعید افراد را فریب می‌داده است و تعداد زیادی شاکی از سراسر کشور تا کنون از این فرد شکایت کرده‌اند.

استفاده از مشاوره، فعال شدن باب گفت‌وگو میان اعضای خانواده، باز نکردن پای افراد غریبه به زندگی خصوصی، استفاده از ظرفیت بزرگ‌ترها و حل و فصل امور با ریش سفیدی و اعتماد نکردن به تبلیغات اغواکننده در فضای مجازی تمام توصیه‌های رئیس پلیس فتای خراسان‌رضوی به شهروندان بود. البته او نکته مهمی را نیز گوشزد کرد که گاهی این رمال‌ها با دستیابی به اطلاعات شخصی افراد مزاحمت‌های دیگری نیز برای آن‌ها ایجاد می‌کنند و افراد با دست خود زندگی‌شان را طلسم می‌کنند.

عکس تزئینی است

معمای پلیسی

تصادف در خیابان ۶ متری

موسایی [یک پراید نقره‌ای در خیابان شش متری مسیر خود را طی می‌کرد که ناگهان خودرو نیسانی از کوچه هشت متری (که همین خیابان را قطع می‌کند) خارج شد و هردو خودرو به هم برخورد کردند. گلگیر هردو ماشین صدمه دید و راننده نیسان هم چون کمربند نبسته بود موقع تصادف به فرمان برخورد کرد و سینه‌اش زخمی شد. طبق معمول راننده‌ها پیاده شدند و هردو ادعا کردند طرف مقابل مقصر است. کار به دعوا و زد و خورد کشیده شد که ظاهرا یکی از مغازه‌دارهای آن منطقه با پلیس تماس گرفت.

در این صحنه چه کسی مقصر است و چرا؟

طرح: رضا جنگی

لطفا پاسخ خود را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک کنید.

پاسخ معمای پلیسی پنجم مرداد «حرکت با دنده عقب»: مقصر راننده پرشیاست. فارغ از اینکه خودروها هردو به حالت دنده عقب بوده‌اند، حق تقدم با کسی است که از اصلی وارد فرعی می‌شود و راننده پرشیا باید دقت بیشتری می‌کرده و اجازه می‌داده است تا ابتدا ماشین مزدا عبور کند و بعد خودش وارد خیابان اصلی شود. در عین حال وارد شدن به خیابان اصلی با دنده عقب کار بسیار خطرناکی است.

جدول شماره: ۲۹۸۵

طراح: محمدرضا علیزاده

فیلمی از سرجو لئونه		یار برهما / پایتخت هند / سخنرانی		دهان عرب / موی مجعد / کودکی		چندین امت / واحد مسافت / چه کسی؟		مغزسر نوشته / شب روستا		اله دشمن سرسخت		نپذیرفتن شانه یکچهارم		شهرخوزستان / مقطع متوسطه / شایسته
نرم میوه تابستانی				شربت آبلیمو									امر از رفتن تنگنا		برنامه‌های تراشه رایانه	
کشنده غذایی گیلانی			بیزاری		وزیر مختار	دم پسوند شباهت		۳کیلوگرم عضو گوارش دریا			حرف انگلیسی دهان پرنده مدافع فوتبال			کشیدن باران اندک		مسگر	بالاآمدن آب دریا از گرفتنی‌ها		پس‌غذا
سرنیزه	درخت کوچک	درخت انگور								بنای مرتفع			گودی						
			جسم / ابزار وزنه‌برداری													ابادانی بنابراین مغول		دورهم گردآمدن		
		تلاش ماندگار			صوت استثنا											سجده‌گذار یکدندگی			خطایی در تنیس رود اروپایی	
ثروتمند نویسنده کمدی‌انسانس																				

پاسخ جدول ۲۹۸۵

مخاطبان گرامی نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید